

تعاونی‌ها به عنوان یک واحد مستقل و یک سازمان اقتصادی، اجتماعی یا به عرصه وجود می‌گذارند و البته حمایت‌های سنجیده دولت در تقویت و هدایت آنها نقش ارزنده‌ای دارد. تعاونی‌ها ضمن پیگیری‌های امور خود ماهیتاً به توسعه می‌پردازند و از این روی سود به دست آمده ناشی از فعالیت اعضا عمده‌تاً صرف توسعه می‌شود و به تدریج روحیه کار و توسعه در جامعه حاکم می‌شود.

حدود فعالیت بخش تعاون در جمهوری اسلامی ایران

• محمود زارع زاده

بخش تعاون در کلیه کشورهای جهان به عنوان یک راهکار اقتصادی و اجتماعی پدیده‌ای جا افتاده و دارای سابقه چند ده ساله است ضمن آن که طبق قوانین موجود مورد حمایت دولتها نیز می‌باشد. بخش تعاونی همچنین با توجه به اولویت برنامه‌های توسعه در هر کشور عموماً در کلیه زمینه‌های کشاورزی، صنعت و خدمات فعال می‌باشد و همواره بخش نسبتاً وسیعی از افراد جامعه را در اشکال مختلف شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی تحت عضویت خود دارد. نهضت تعاون به عنوان یک فعالیت اقتصادی - اجتماعی سالم امروزه در اکثر کشورهای جهان با هدف «مردم، به مردم کمک می‌کنند» گسترش و توسعه چشمگیری یافته و اغلب دولتها نیز نسبت به پذیرش آن اقدام نموده‌اند و راهکارهای عملی را برای توسعه و تقویت آن به عمل آورده‌اند.

تعاونی‌های کشاورزی، تعاونی‌های اعتبار و تعاونی‌های مصرف از جمله تعاونی‌های قانونمند اولیه‌ای می‌باشند که از نیمه دوم قرن نوزدهم از اروپا آغاز شدند و به تدریج در تمامی قاره‌های جهان گسترش و توسعه یافتند و اثرات بسیار مثبتی در توسعه و رفاه اجتماعی ملتها برجای گذاردند.

در جهان امروز هیچ کشوری را نمی‌توان یافت که بخشی از فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی آن با نام «تعاونی» گره نخورده باشد. برخی از کشورها از اعتبار این بخش به خوبی بهره برده و بسیاری از مشکلات اقتصادی خود را از این طریق حل و فصل نموده‌اند. به عنوان مثال در حال حاضر فعالیت‌های مالی بسیاری از کشورهای پیشرفته در قالب بانک‌های تعاونی و تعاونی‌های اعتبار اثرات نیکوی خود را بر جای گذاشته است. به طور مثال امروزه

بانک تعاون هلند یکی از بزرگترین بانک‌های جهانی بوده و کمک‌های این بانک در کشور هلند موجبات پیشرفت بی چون و چرای کشاورزی و سایر بنگاههای کوچک صنعتی و خدماتی این کشور را فراهم نموده است. همچنین تعاونی‌های کشاورزی و بانک‌های تعاون هند، گام بلندی را در توسعه روستاها و صنعتی شدن کشاورزی برداشته است.

تعاونی‌های کشاورزی، مصرف، بانکداری و بیمه امروزه در تمامی کشورهای اروپایی و به ویژه در آلمان، انگلستان، ایتالیا و فرانسه در نزد جوامع اروپایی کاملاً شناخته شده است و زندگی تعاونی به ویژه در کشورهای اسکاندیناوی به وفور جریان دارد و جالب‌تر آن که اعتماد و اطمینان مردم به این نوع فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی بیش از دو بخش دیگر یعنی دولتی و خصوصی است.

در قاره آمریکا به ویژه در دو کشور آمریکای شمالی یعنی کانادا و آمریکا «تعاونی‌ها» بر تارک فعالیت‌های اقتصادی می‌درخشند. قریب به ۷۰ درصد از مجموع فعالیت‌های مربوط به گندم (تولید، داشت و

بازاریابی این محصول) توسط چهار اتحادیه بزرگ تعاونی به انجام می‌رسد.

در قاره بزرگ آسیا، اغلب کشورهای این قاره به ویژه کشورهای جنوب شرقی آن سعی بر توسعه و گسترش «تعاونی‌ها» نموده و امروزه سه کشور ژاپن، هند و سنگاپور پیشتاز این امر می‌باشند. تعاونی‌های کشاورزی ژاپن و هند و تعاونی‌های مصرف سنگاپور از جمله تعاونی‌های پیشرو و فراگیر در این کشورها هستند. تعاونی‌های کشاورزی کره که با نوع مصرف گره خورده‌اند، توسعه کشاورزی و رفاه اجتماعی این کشور را موجب شده‌اند. تعاونی برنج استرالیا امروزه در بازارهای داخلی و خارجی سهم عمده و بسیار بالایی را در اقتصاد کشاورزی این کشور به عهده دارد و همچنین تعاونی‌های شکر و لبنیات و تولید کودهای شیمیایی در کشور هند حرف اول را در کشور و نیز در بازارهای جهانی می‌زند.

تعاونی‌ها با توجه به خصلت خود که می‌توان بزرگترین آن را «کمک به مردم» و نیز مشارکت آگاهانه مردم در امور اقتصادی - اجتماعی معنا نمود امروزه در اکثر کشورهای جهان طرفداران فراوانی را جلب نموده و حتی برخی از صاحب نظران قلمرو اجتماعی آن را شیوه برتر زندگی سالم اقتصادی - اجتماعی می‌پندارند و سعی در فراگیر شدن هر چه بیشتر آن می‌نمایند.

تعاونی‌ها در کشور ما نیز از سابقه دیرینه‌ای برخوردارند به گونه‌ای که برای اولین بار لفظ «تعاونی» در تنظیم قانون اولیه تجارت وارد شد و اولین تعاونی نیز در همان ایام (بالغ بر هفتاد سال پیش) پا به عرصه وجود گذاشت و به هنگام رشد تدریجی خود فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشت. در همان ایام و به تدریج قوانین مربوط به تعاونی‌ها از تصویب مجلسین وقت گذشت به شکلی که در طی مراحل توسعه و گسترش خود به ویژه در بخش کشاورزی وزارتخانه‌ای نیز مسئول

توسعه تعاونی‌ها به ویژه کشاورزی و روستایی گردید.

اوج توسعه و گسترش تعاونی‌ها را می‌توان بعد از ظهور انقلاب اسلامی در کشور دانست و به خصوص این که جایگاه رفیع خود را در قانون اساسی پیدا نمود و متعاقب آن با تدوین قانون تعاون و تشکیل وزارت تعاون این مسیر همچنان ادامه دارد. تعاونی‌های موجود در کشور را می‌توان با توجه به نوع فعالیت آنان به گروه‌های ذیل تقسیم نمود:

- ۱- تعاونی‌های روستایی و کشاورزی
- ۲- تعاونی‌های مسکن
- ۳- تعاونی‌های مصرف
- ۴- تعاونی‌های اعتبار
- ۵- تعاونی‌های حمل و نقل
- ۶- تعاونی‌های خدمات

۷- تعاونی‌های تولید (تعاونی‌های کشاورزی و دامپروری و مرغاری و آبزیان، تعاونی‌های صنعتی و معدنی، تعاونی‌های خدمات رسانی به تولید کنندگان)

امروزه، در کشور ما قریب به ۵۰۰۰۰ شرکت تعاونی به ثبت رسیده و روند گسترش تعاونی‌ها همچنان ادامه دارد و بسیاری از این شرکت‌های تعاونی نیز لایه‌های بعدی خود یعنی اتحادیه‌های استانی و ملی را تشکیل داده‌اند که البته تشکیل اتحادیه‌های تعاونی همچنان نیز در حال گسترش می‌باشد. این تعداد تعاونی‌ها امروزه در بخش‌های مختلف اقتصادی، خدماتی، بازرگانی، توزیعی، تولیدی، اعتباری، آموزشی، بهداشتی و درمانی، داد و ستدهای مرزی، تحقیقاتی و پژوهشی، مسکن سازی، حمل و نقل و بسیاری دیگر از عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی مشغول فعالیت می‌باشند و تقریباً اکثر وزارتخانه‌های کشور به ویژه وزارتخانه‌های تعاون، کشاورزی، جهاد سازندگی، صنایع، بازرگانی، مسکن و شهرسازی و... با این نوع تعاونی‌ها کاملاً در تماس بوده و پیگیری کننده امور آنان می‌باشند. در این میان وزارت تعاون به

تنهایی بالغ بر ۹۰ درصد امور تعاونی‌های کشور را پیگیری، هدایت و نظارت می‌نماید. از بعد دیدگاه جهانی به ویژه از دیدگاه اتحادیه بین المللی تعاون که به صورت یک نهاد رسمی بین المللی قدیمی در سطح جهان امور تعاونی‌ها را پیگیری می‌نماید و اکثر تعاونی‌های عمده جهان و نیز بسیاری از کشورهای جهان عضو این اتحادیه بین المللی می‌باشند، نظام تعاون بر پایه هفت اصل استوار است که به شرح ذیل عبارتند از:

- ۱- اصل داوطلبانه و آزاد بودن عضویت
- ۲- اصل نظارت دموکراتیک عضو
- ۳- اصل مشارکت اقتصادی عضو
- ۴- اصل استقلال تعاونی‌ها
- ۵- اصل آموزش و اطلاع رسانی
- ۶- اصل همکاری و تعاون بین تعاونی‌ها
- ۷- اصل توجه به جامعه

این اتحادیه از تمامی اعضاء خود و نیز دولتها می‌خواهد که هفت اصل فوق را همواره در مورد تعاونی‌ها لحاظ نمایند و به ویژه بر اصل استقلال تعاونی‌ها و عدم دخالت دولت در امور تعاونی‌ها اصرار می‌ورزد. این دیدگاه می‌گوید که تعاونی‌ها سازمانها و مؤسسات اقتصادی، اجتماعی مستقلی هستند که افراد عضو با اراده و نظارت خود بر امور آن و به صورت آزاد و داوطلبانه آن را به وجود می‌آورند و لذا اصل حاکمیت انسان در این سازمانها محور بوده و میزان سرمایه نقش چندانی در آن ندارد و لذا هر فرد یک رأی دارد و یا به عبارات دیگر سرمایه تعیین کننده رأی نیست. این دیدگاه می‌گوید: افرادی که دور هم جمع می‌شوند، غالباً نیز نیازهای مشترک خود را می‌دانند و برای رفع موانعی که در راه نیازهای آنها وجود دارد کوشش می‌نمایند تا آن موانع را دسته جمعی مرتفع نمایند تا از این رهگذر ضمن این که خود از نفع آن بهره‌مند می‌شوند جامعه را نیز منتفع خواهند نمود.

از این رو، تعاونی‌ها به عنوان یک واحد مستقل و یک سازمان اقتصادی، اجتماعی پا به عرصه وجود می‌گذارند و البته

تعاونی‌ها با توجه به خصلت خود که می‌توان بزرگترین آن را «کمک به مردم» و نیز مشارکت آگاهانه مردم در امور اقتصادی - اجتماعی معنا نمود امروزه در اکثر کشورهای جهان طرفداران فراوانی را جلب نموده و حتی برخی از صاحب نظران قلمرو اجتماعی آن را شیوه برتر زندگی سالم اقتصادی - اجتماعی می‌پندارند و سعی در فراگیر شدن هر چه بیشتر آن می‌نمایند.

حمایت‌های سنجیده دولت در تقویت و هدایت آنها نقش ارزنده‌ای دارد. تعاونی‌ها ضمن پیگیری‌های امور خود ماهیتاً به توسعه می‌پردازند و از این روی سود به دست آمده ناشی از فعالیت اعضا عمدتاً صرف توسعه می‌شود و به تدریج روحیه کار و توسعه در جامعه حاکم می‌شود. تعاونی‌ها وقتی به صورت یک نهاد مستقل دیده می‌شوند دیگر به صورت ابزار در نخواهند آمد و لاجرم چنین نهادی جز به کار و کوشش نمی‌پردازد.

تعاونی‌ها را در سطح جهانی این گونه نیز می‌بینند که وظایف خطیر و بزرگی را به عهده دارد. عمده آن وظایف را می‌توان به طور خلاصه در محورهای ذیل برشمرد:

- ۱- فقر زدایی
- ۲- ایجاد اشتغال
- ۳- توزیع عادلانه ثروت و منابع
- ۴- اصلاح نظامهای اقتصادی
- ۵- ارتقاء روحیه انسانیت و چهره انسانی دادن به فعالیت‌های اقتصادی
- ۶- حفظ و حمایت محیط زیست
- ۷- احترام به حقوق دیگران
- ۸- کاهش دادن تنش‌های کارگری و کارفرمایی
- ۹- تجمع سرمایه‌های کوچک و بهبود بهره‌وری
- ۱۰- آموزش

کلیه کسانی که از طریق «تعاونی» نسبت به حل مشکلات اقتصادی - اجتماعی جامعه می‌اندیشند، چنین نظر دارند که این شیوه انسانی می‌تواند بسیار کارساز باشد. چرا که بسیاری از مشکلاتی که معمولاً در دو بخش دیگر یعنی دولتی و خصوصی وجود دارد در تعاونی به حداقل می‌رسد. البته این امر مشروط به آن است که مدیریت صحیح در این امر رواج یابد.

مخلص کلام آن که «تعاونی» دقیقاً به معنای سازمان دادن و سامان یافتن انسانهایی است که نیازها و خواسته‌های مشترکی دارند البته به این امر بلافاصله باید اضافه نمود که تعاونی‌ها در

چارچوبهای سیاسی نیابستی گرفتار آیند و حتماً باید از آن به دور بمانند. تعاونی‌ها را باید همواره به صورت یک نهاد مستقل اجتماعی - اقتصادی پذیرفت و لاغیر. بدین ترتیب، باید گفت که قلمرو فعالیت‌های تعاونی می‌تواند بسیار گسترده و توسعه یافته باشد و این بستگی به شرایط اجتماعی، اقتصادی جامعه دارد که ضرورت آن را بیشتر نمایان می‌سازد. از این رو و با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشورمان می‌توان استفاده از شیوه تعاونی را عمدتاً در محورهای زیر اولویت داد و البته واضح است که تعاونی منحصر به این‌ها نیز نمی‌تواند باشد و بر اساس اصل «قابلیت انعطاف» می‌تواند سایر زمینه‌ها را فرا گیرد.

۱- ایجاد اشتغال:

به نظر می‌رسد بهترین و قابل حصول‌ترین شیوه‌ای که بتوان با آن اشتغال را در متوسط زمان گسترش داد ایجاد «واحدهای صنعتی و خدماتی کوچک» نیروهای جوان و به ویژه تحصیل کرده‌های دانشگاهی می‌توانند نسبت به ایجاد واحدهای اشتغالزا و نوآور بر حسب تخصص خود بپردازند، سرمایه‌های اندک خود را با تخصص‌های خود پیوند دهند و البته باید به طور جدی مورد حمایت دولت قرار گیرند و عرصه‌ها و میدانهای کار را با بروکراسی هر چه کمتر برای آنان فراهم نمایند. گروههای ۱۵ - ۱۰ نفره و حداکثر تا ۵۰ نفر را می‌توان در قالب تعاونی‌های تولید و نوآور سازمان داد. این گروهها بعد از اندکی فعالیت خود، قادر خواهند بود که لایه‌های بعدی خود یعنی اتحادیه‌های مورد نیاز را به وجود آورند و اتحادیه‌ها در این حالت می‌توانند کلیه امور حقوقی و

بازرگانی آنان را سازمان دهند و نسبت به سر و سامان دادن فعالیت‌های آنها بپردازند.

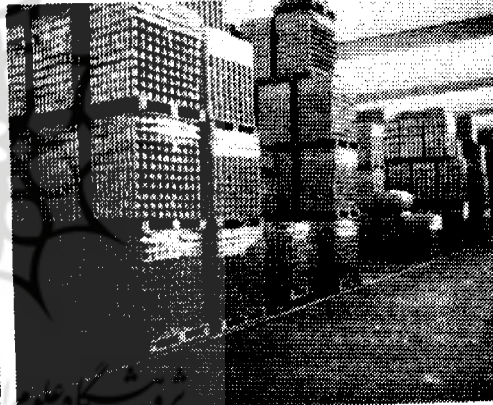
۲- توسعه روستاها:

احیاء و توسعه روستاها و افزایش تولید محصولات کشاورزی و نیز بازار یابی و عمل آوری فرآورده‌های کشاورزی و نیز صنایع وابسته به آن از جمله اموری است که نظام تعاونی در آن بی هیچ تردیدی اثر گذاری مثبت خود را بروز داده است. اکثر کشورهایی که توانسته‌اند کشاورزی خود را توسعه داده و گامهای بلندی بردارند،

بدون شک داستانهای فراوانی از توسعه تعاونی در این بخش برای گفتن دارند و توسعه کشاورزی خود را مدیون سازمان دادن مدیریت در تولید و مصرف تولیدات و محصولات کشاورزی می‌دانند. در واقع این همان محور کار نهضت تعاونی در این بخش مهم از توسعه اقتصادی می‌باشد. تمامی کشورهایی که دارای کشاورزی صنعتی پیشرفته‌ای می‌باشند، بزرگترین سهم این رونق و توسعه را به تعاونی‌ها نسبت می‌دهند. همه کشورهای صنعتی جهان دارای تعاونی‌های موفق کشاورزی می‌باشند. اکثر کشورهای اروپایی به ویژه کشورهای نظیر هلند، دانمارک، سوئد، آلمان و... در این زمینه بسیار پیشرفت کرده‌اند. مثلاً بانک تعاونی هلند ۹۰ درصد احتیاجات اعتباری کشاورزان کشور را تماماً تأمین می‌نماید. تعاونی‌های کشاورزی ژاپن در نوع خود بهترین نوع تعاونی می‌باشند و تعاونی‌های کشاورزی هند بر بسیاری از مشکلات در این کشور فقیر فائق آمده‌اند و در واقع متوسط در آمد کشاورزان عضو از درآمد بهتری نسبت به سایر افراد کشور برخوردارند و همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد تعاونی‌های شکر و

تعاونی‌ها سازمانها و مؤسسات اقتصادی، اجتماعی مستقلی هستند که افراد عضو با اراده و نظارت خود بر امور آن و به صورت آزاد و داوطلبانه آن را به وجود می‌آورند و لذا اصل حاکمیت انسان در این سازمانها محور بوده و میزان سرمایه نقشی چندانی در آن ندارد و لذا هر فرد یک رأی دارد و یاب به عبارت دیگر سرمایه تعیین کننده رأی نیست.

تعاونی‌های مصرف از سابقه زیادی برخوردارند. اصولاً کشورهایی که به بلای جنگ و یا بحرانهای توزیع کالا مواجه شده‌اند بلافاصله به این سیستم از توزیع کالا روی آورده‌اند که البته بعد از پشت سر گذاشتن بحران با روحیه‌ای نسبتاً خوب به تشویق و ترغیب این سیستم توزیع پرداخته‌اند. تعاونی‌های مصرف در کشور ما می‌توانند سهم عمده‌ای در توزیع عادلانه کالا در کل کشور ایفا نمایند. شایسته است کلیه فروشگاههای بزرگ دولتی از تصدی دولت خارج شده و سهام آن در قالب تعاونی به افراد فروخته شود و به صورت تعاونی اداره شوند. چنین موضوعی حتی در مورد فروشگاههای رفاه و شهروند نیز می‌تواند اتفاق بیفتد. توزیع عادلانه کالا، حمایت از منابع تولید کالا، افزایش استانداردهای کالا، و کیفیت کالا به ویژه در مورد مواد غذایی و مصرفی به خوبی در سیستم تعاونی و با قیمت‌های مناسب‌تر می‌تواند رایج شود.



۴- مسکن سازی:

در کشور ما امروزه، تعاونی‌های مسکن نقش بزرگی در تولید مسکن به عهده دارند. این تعاونی‌ها حدود ۱/۵ میلیون نفر عضو امیدوار را در خود جای داده‌اند که البته عملکرد آن نیز تاکنون تقریباً مثبت بوده است. این تعاونی‌ها تاکنون بیش از ۲۶ درصد از تولید مسکن در کشور را به خود اختصاص داده‌اند. تغییر ساختار بانک مسکن و نیز اتصال آن به تعاونی‌های مسکن می‌تواند راه را برای رفع کمبود مسکن در کشور هموار نماید.

۵- حمل و نقل:

سیستم تعاونی در بخش حمل و نقل در کشور ما از اهمیت خاصی برخوردارند. امروزه اغلب اتوبوسها، کامیونها و تاکسی‌هایی که در کشور وجود دارند به نوعی از خدمات تعاونی‌های حمل و نقل برخوردارند. بنابراین با تقویت این بخش می‌توان به سیستم حمل و نقل کشور کمک شایان توجهی نمود.

نیازهای مربوط به بازاریابی و فرآوری محصولات کشاورزی و نیز جریان اعتبارات و صنایع وابسته به کشاورزی را غالباً در سیستم‌های واحد در تعاون سامان دهند و کشور چین نیز بعد از ورود به سیستم بازار آزاد و پذیرفتن اقتصاد باز به ترمیم و توسعه کشور به ویژه در بخش کشاورزی به سمت تعاونی‌های کشاورزی روی آورده است.

۳- توزیع کالا و مصرف:

این موضوع یکی از قلمروهای وسعت یافته در بخش تعاون در اکثر کشورها است. در این قلمرو ژاپن و سنگاپور در آسیا پیشرو هستند. در کشور ما نیز سابقه

لبنیات در کشور هند حرف اول را می‌زنند به گونه‌ای که بالغ بر نیمی از کودهای شیمیایی این کشور توسط کارخانه‌های کود شیمیایی متعلق به کشاورزان عضو تعاونی‌ها تولید و توزیع می‌شود و تقریباً تمامی روستاها زیر پوشش سیستم‌های تعاونی کشاورزی وجود دارند. در بسیاری از کشورها که در زمینه کشاورزی حرفی برای گفتن نداشته‌اند اکنون تعاونی‌های کشاورزی پیشرفته‌ای به وجود آمده است. این تعاونی‌ها کوشش نموده‌اند تا نیازها و ضرورت‌های کشاورزی و کشاورزان را با یکدیگر ادغام نموده و طی آن نیازهای مربوط به تولید محصولات کشاورزی،

۶-۳ در سایر سیستم‌های خدماتی:

نظیر خدمات بهداشت و درمان، چاپ و نشر، صنعت توریسم و ایرانگردی، بهزیستی و کمک به معلولین و ... به خوبی می‌توان از شیوه تعاونی بهره جست.

الزامات ضروری برای توسعه تعاونی‌ها

توسعه و گسترش تعاونی‌ها در نفس خود الزاماتی را برای دولت و به ویژه دستگاههایی که در امر توسعه اقتصادی و اجتماعی اشتغال دارند به وجود می‌آورد. که اهم و اعم آنها به شرح ذیل عبارتند از:

۱- «یاور داشتن» به این که سیستم تعاونی به عنوان یک سیستم مطمئن و معتمد می‌تواند در توسعه کشور نقش عمیقی داشته باشد. مقوله‌ای است که تا این یاور به طور جدی به وجود نیاید مشکل است که به توسعه تعاونی‌ها بتوان دل بست.

۲- تعاونی‌ها را همواره «تعاونگران» نامی به عنوان یک راه حل جدی برای توسعه یافتگی بنیان نهاده‌اند. در کشور ما سبب خوشبختانه تعاونگران و همچنین تعاونی‌های موفق وجود دارند که می‌توان با بررسی موشکافانه از عملکرد آنان الگوی مناسبی را برای توسعه تعاونی به وجود آورد.

۳- مطالعه و بررسی کتابخانه‌ای و نیز میدانی از تجارب همه کشورها در امر تعاونی نیز می‌تواند این دیدگاه را تقویت نماید که تعاونی‌ها همواره برای رفع مشکل به ویژه در زمینه اقتصادی-اجتماعی شکل گرفته و تقویت شده‌اند. تعاونی‌ها یکی از شیوه‌های مطمئن افزایش درآمد اعضاء و در نتیجه جامعه می‌باشند.

۴- دولت باید تحول اساسی در ساختارها را به وجود آورد، امروزه کمتر دولتی را می‌توان یافت که خواسته باشد تمامی یا بخش وسیعی از تصدی‌های امور اقتصادی، اجتماعی را به عهده خود داشته باشد. لذا بدین روی دولت‌ها کوشش دارند که مردم را در امور مشارکت دهند. در همین جا اینجانب پیشنهاد می‌نمایم که به جای لفظ «خصوصی سازی» که تنش زان نیز می‌باشد،

دولت از لفظ «مشارکت سازی» بهره گیرد و آن را نهادینه نماید. «مشارکت» همان تعاون است.

۵- باید در نظر داشت که نباید از تعاونی انتظار «معجزه» داشت. اما می‌توان به طور قطع این انتظار را داشت که سیستم تعاونی مطمئن‌تر و با اعتمادتر می‌تواند مشارکت مردم را در توسعه کشور به وجود آورد.

۶- تعاونی‌ها همیشه به عنوان یک سیستم متعادل کننده بین دولت و بخش خصوصی عمل نموده است و معمولاً نیز بر عدالت اجتماعی تأکید می‌نماید که قطعاً آرزوی هر دولت و ملتی دستیابی به عدالت اجتماعی در جامعه است. طیف‌های گوناگون تعاونی تقویت کننده اهرم عدالت اجتماعی در اجتماع خواهد شد.

۷- با تعاونی‌ها نباید به مقابله برخاست و یا آن را از سیستم اقتصادی - اجتماعی در اجتماع حذف نمود بلکه عاقلانه‌ترین روش آن است که آن را تقویت نمایند و موانع را از سر راه آن بردارند.

۸- کشور ما با جمعیت جوان و منابع فراوان باید بپذیرد که شأن خاصی برای توسعه تعاونی در نظر داشته باشد و دولت در این مقطع باید متولی تقویت این امر بشود.

جمع بندی:

با عنایت به موارد گفته شده، خلاصه آن را به عنوان جمع بندی در زمینه حدود فعالیت بخش تعاون می‌توان به شرح زیر منعکس نمود:

بخش تعاون به لحاظ کیفی از آنجایی که عمدتاً به حضور و مشارکت انسانها می‌اندیشد لذا در اکثر قلمروهای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند حضور داشته باشد ولی با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور ما که شامل موارد ذیل می‌گردد:

- ۱- وجود جمعیت جوان فراوان داوطلب کار در کشور.
- ۲- وجود بیش از ۶۰ هزار روستا در کشور که توسعه آنها در واقع موجبات توسعه پایدار در کشور را سبب خواهد شد.
- ۳- حضور نوعی لجام گسیختگی در

قیمت‌ها و لزوم دسترسی افراد و خانواده‌ها به کالاهای مصرفی، استاندارد و کیفیت مناسب و خوب و نیز قیمت با ثبات‌تر و ارزانتر.

۴- بالا بودن تقاضای جامعه به داشتن مسکن و سرپناه و رفع کمبودهای آن.

۵- حمایت و تقویت صنعت حمل و نقل کشور که بهبود وضعیت آن نقش ارزنده‌ای در رونق اقتصادی کشور خواهد داشت و با عنایت به این که در حال حاضر تعاونی‌ها و اتحادیه‌های تعاونی حمل و نقل در سطح کشور شناخته شده بوده و مورد توجه مالکین اتوبوسها، کامیونها و تاکسی‌ها می‌باشند و در این میان سهم فراوانی نیز (بیش از ۸۰ درصد) در ارائه خدمات حمل و نقل زمینی دارند.

۶- سایر قلمروهای اقتصادی و اجتماعی که می‌توانند در اقتصاد ملی کمک کننده باشند و در حال حاضر نیز عمده این فعالیت‌ها در تصدی دولت می‌باشد نظیر قلمروهای بهداشت و درمان، صنعت توریسم و جهانگردی و ایرانگردی، حمایت از تواناییهای معلولین جسمی.

جایگاه حضور بخش تعاون را بیش از حضور دولت و بخش خصوصی به خود معطوف می‌دارد به طوری که موفقیت‌های به دست آمده در سایر کشورهای جهان نیز مؤید این امر می‌باشد. با توجه به حضور بخشهای گوناگون اقتصادی که بنا بر آمار بیش از ۷۰ درصد آن در تصدی دولت قرار دارد (که این مقدار حتی در کشورهایی که با برنامه متمرکز اقتصادی اداره می‌شوند رقم فوق العاده بالایی است) لزوم تغییر ساختار جداً احساس می‌شود بدین ترتیب با پدیده «مشارکت سازی» می‌توان این تحول را در کشور ایجاد نمود. هدف مسندترین و قانونمندترین شیوه‌ای که می‌تواند در تغییر ساختارها حضور یابد «تقویت و حمایت و هدایت تعاونی‌ها است». سایر تشکلهای صنفی و خیریه‌ای و غیر انتفاعی نیز می‌توانند، به این پدیده کمک نمایند.

به این نکته اساسی باید توجه نمود که

امروزه بخش تعاون در کشور ما سهم ناچیزی در تولید ناخالص داخلی ایفا می‌نماید (بر حسب مطالعات انجام شده بین ۵ - ۳ درصد) و ضرورت دارد که هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی این سهم افزایش یابد تا علائم بیشتری از حضور و مشارکت مردم در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی دیده شود. بدیهی است که به هر میزان درجه مشارکت مردم در امور بالاتر رود توسعه یافتگی سرعت بیشتری به خود خواهد گرفت. شرایط مناسب محیطی و اجتماعی کشورمان و استعدادهای عظیمی که در آن نهفته است چه به لحاظ منابع مادی و چه به لحاظ معنوی می‌تواند سیاست گذاران کشور را به این سمت سوق دهد که به درستی تواناییهای بخش تعاون را شناسایی و در جهت تقویت و هدایت آن کوشش نمایند.

هر چند که چه در تعاونی‌ها کار جمعی و روحیه بالای اخلاقی از اصول خدشه ناپذیر می‌باشد ولی در شرایط فعلی، توانایی این بخش را می‌توان در سرفصل‌های زیر خلاصه نمود:

- ۱- تعاونی می‌تواند در سیستم جمع آوری سرمایه‌های کوچک موفق عمل نماید.
- ۲- تعاونی می‌تواند تنش‌های کاری و کارفرمایی را به دلیل آن که اعضا خود در آن کار می‌کنند و مالک کار و اندیشه خود می‌باشند به حداقل برساند.
- ۳- اصولاً تمرین مدیریت و نیز دموکراسی در این سیستم آسان‌تر صورت می‌پذیرد.
- ۴- به دلیل مشارکت اعضا در امور تعاونی و نیز نظارت اعضا بر عملکرد آن هزینه‌های اجتماعی را در اقتصاد کلان بسیار کاهش می‌دهد.

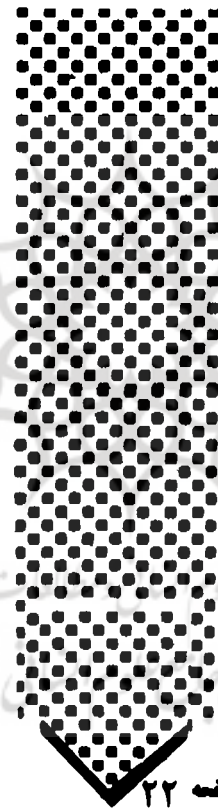
۵- خصلت تعاونی و نیز قانون و مقررات حاکم بر امور تعاونی‌ها علاوه بر این که توسعه پذیری را گسترش می‌دهد، انتقال تکنولوژی و دانش و آموزش را گسترش می‌دهد و میل به خود کفایی و مردم‌داری را تقویت می‌نماید.

۶- تشکیلات تعاونی‌های مدرن (شرکتهای تعاونی - اتحادیه‌های تعاونی - اتحادیه

سراسری و ملی) همگی هماهنگ و روان و تقویت کننده می‌باشند.

۷- فرهنگ همکاری و روحیه تعاون و همکاری را در جامعه تقویت می‌نماید.

علیهذا بهره‌گیری از تواناییهای فوق و سایر تواناییهای موجود وجه تمایز بین یک واحد دولتی و خصوصی را با تعاونی به خوبی مشخص می‌نماید. بهره مندی از همین توانائیا می‌تواند به عنوان یک راهکار مناسب در حل مشکلات اقتصادی - اجتماعی همواره مطرح باشد.



بقیه از صفحه ۲۲

نیست... و پدیده تازه‌ای به نام «فرمانروایی جمعی» پدیدار خواهد شد.

اندک اندک مالکیت هم به مشارکت در می‌آید. یعنی این که مشارکت فراگیرتر می‌شود و به کانونهای بنیادی «زیست گروهی» باز می‌گردد.^(۲)

این نظر به ما می‌گوید که دوره مردم سالاری به جای سرمایه سالاری فرا رسیده است و این روش سالهاست که در تعاونی‌ها

اجرا می‌شود یعنی «رای عضو».

تساوی آراء در مجامع عمومی تعاونی‌ها نشانه بارزی از مردم سالاری است. هر عضو صرف نظر از میزان سرمایه خود یا میزان خدماتی که به تعاونی می‌دهد یا خدماتی که از تعاونی دریافت می‌کنند در جلسه‌های مجامع عمومی حق اعمال یک رأی را دارد و این نشانه شفاف و روشنی از تحقق عدالت در بعد اجتماعی است و اما عدالت اجتماعی در بعد اقتصادی با توسعه تعاونی‌های چند منظوره و فراگیر میسر خواهد شد. در این تعاونی‌ها هر فردی که به خدمات تعاونی احساس نیاز کند به آن می‌پیوندد و خدمات تعاونی به تناسب خدمت متقابل عضو به وی داده می‌شود. با توسعه این گونه از تعاونی‌ها از انباشتگی سرمایه نزد افرادی خاص جلوگیری می‌شود. تعاونی عرصه‌ای برای تلاش و بروز استعدادها و لیاقتها خواهد شد و هر عضوی که بتواند این عوامل را بهتر بروز دهد از سهم بیشتری برخوردار خواهد شد. عرصه تعاونی نمایشگاهی است برای همه، تا هر کس دست آورد خود را در این عرصه به نمایش بگذارد.

بنابراین بر همه تعاونگران و علاقمندان به بخش تعاون است که با توسعه آموزش کاربردی و اشاعه فرهنگ تعاون، این فرهنگ را نهادینه کنند و دو شاخصه تعاون یعنی خود اتکائی و تحقق عدالت اجتماعی را برای همگان روشن نمایند و با ایجاد ارتباط مناسب بین تعاونی‌ها از طریق تشکیل اتحادیه‌های تعاونی یعنی تعاون در تعاون، قدمهای بزرگتری برای تثبیت جایگاه تعاون در زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم بردارند چون وقتی قطار تعاون روی دو ریل خود اتکائی و تحقق عدالت اجتماعی حرکت کند به مقصد خود یعنی رفاه عمومی زودتر خواهد رسید.

■ پی نوشت‌ها:

- ۱- ناشر شرکت نشر آرام - چاپ اول - اردیبهشت ۷۸
- ۲- نقل از «فصلنامه تعاون روستایی شماره ۱ و ۲ سال ۱۳۶۹ از مقاله کدام مشارکت و چگونه؟»